



# تحلیلی بر نهضتها

نهضتها و حرکتها سیاسی- دینی تاریخ ایران اسلامی را می‌توان در پنج مقطع کلی ارزیابی و بررسی نمود:

۱- نهضتها و جریانات از ورود اسلام به ایران تا قرن سوم هجری.

۲- نهضتها و جریانات از قرن سوم تا عصر صفویه (مقالات حاضر).

۳- نهضتها و جریانات عصر صفویه.

۴- نهضتها و جریانات از سقوط صفویه تا عصر مشروطیت.

۵- نهضتها و جریانات از عصر مشروطیت تاکنون.

البته این تقسیم بندی قطعی نیست و بدون شک با توجه به سیر ادواری تاریخ ایران مطرح گردیده و هریک از این دورها خود به چندین مقطع قابل تقسیم است.

درباره پارهای از این نهضتها، کتاب و مقاله منفرد و تاحدویه مفصل نیز به قلم آمده است، خصوصاً در زمینه اسماعیلیه و نهضت حسن صباح و نهضت سربداران.

لازم به تذکر است که نهضت سربداران دستخوش نوعی سربداران‌زدگی شده و هزار چند گاهی کتابی پارسالانی در این زمینه به بازار می‌آید که بدون عنایت و توجه به تحقیقات متقدمین است.

در این نوشتمنا نظر نگارنده با توجه به زمینه و پستره تاریخی، وقایع نگاری محض نیست که سبب ملالات خاطر خوانندگان خواهد شد. بلکه توجه بیشتر به جنبه‌های سیاسی و دینی این حرکتها خواهد بود. و در این میان فقط محرومای اصلی حرکتها و نهضتها می‌باشد. اما نقش و اثر سیاسی- دینی در تاریخ ایران اسلامی بر جای نهاده‌اند، نه ذکر و شرح همه آنها.

خطا آید ز داننده دیپران

گنه آید ز کیهان دیده پیران

پادداشت‌های دلیل، که نخستین قسمت آن تقدیم می‌گردد، مدخلی است بر شناخت حرکتها و جریانات سیاسی- دینی ایران اسلامی از قرن سوم هجری تا عصر صفوی.

اینکه چرا نگارنده این مقطع از تاریخ ایران را به عنوان محور مطالعه قرار داده، صرفاً جهت شناخت بیشتر با جنبش سیاسی- دینی صفویان است که اثرات مثبت و منفی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی (حتی تاکنون) بر تاریخ ایران بر جای نهاده است.

علی‌رغم آثار و مقالاتی که در زمینه احوال صفویان- چه توسط محققان ایرانی و چه فرنگیان و حتی در کشور همسایه ترکیب به قلم آمده، اما عصر صفوی به عنوان دوره‌بنا نهاده شده بر وحدت دینی- سیاسی هنوز و هنوز مورد عنایت و توجه علاقمندان است.

دیگر اینکه ستاد محترم انقلاب فرهنگی و گروه تخصصی تاریخ‌عنایت و پژوهی بر شناخت نهضتها و جنبش‌های سیاسی- دینی تاریخ ایران و دنیا اسلام نشان داده و بر همین نظر چندین درس جهت اگاهی دانشجویان گنجانده است. این بندۀ گمنزین با پناعت مزجات و به مصادق «خاشک هم در دل دریا گذر کند» مطالعه و بررسی در زمینه تاریخ اجتماعی ایران دوره‌های اسلامی و به جهت تعلق خاطر به حرکتها و جریانات سیاسی- دینی که بدون شک نقش و اثر اجتماعی هم دارد آنها را محور کار نهاده است.

در این راستا تاکنون اصناف و پیشموران عصر صفویه<sup>(۱)</sup> و جریانات فکری و فرهنگی در امپراطوری عثمانی<sup>(۲)</sup> را در مجله وزن کیهان اندیشه از صواب به بیاض آورده است، و بسیاری از خوانندگان گرانقدر مجله با ارسال نامه‌هایی چند، نویسنده را بر ادامه و تکمیل آن موضوعات تشویق نموده‌اند.

# سیاسی-دینی ایران

## سید کاظم روحانی

سربداران، شامل مطالب؛ مدخل؛ اوضاع سیاسی ایران در آستانه جنبش سربداران،

الف) علل سیاسی جنبش سربداران، ۱) ظلم و ستم ایلخانان، ۲) زمینهای تاریخی جنبش، ۳) مبارزه علیه بیگانگان، ۴) قیام علیه پاسای چنگیزی،

ب) علل اقتصادی نهضت سربداری،  
جنبهای منفی، ۱) فقر اقتصادی، ۲) مالیاتهای سنگین،

جنبهای مثبت اقتصادی؛ ۱) تشکیلات اصناف، پیشوادان،  
۲) اهل حرف یا اهل مشاغل،

ج) علل اجتماعی نهضت، ۱) تصفوف، خانقاہ، زاویه، ۲)  
جوانمردان یا اهل فتوت.

د) علل مذهبی،

ه) آغاز جنبش سربداران.

\* بخش ششم: مقدمه، زمینه نهضت سادات در مازندران و گیلان، شامل موضوعات: ۱) اوضاع سیاسی مازندران در آستانه نهضت، ۲) کیفیت نهضت سید قوام الدین مرعشی، ۳)

کیا افراسیاب و روپارویی با نهضت سید قوام الدین، ۴) تسلیمه کیا افراسیاب در برآور نهضت، ۵) اولین بهروزی و تأسیس حکومت اسلامی، ۶) بهروزی نهضت سید قوام الدین، ۷) سقوط حکومت سادات مازندران، ۸) دوره دوم حکومت سادات مازندران، ۹) علل شکست نهضت سادات، ۱۰) قیام سید امیرعلی گیا در گیلان.

\* بخش هفتم: نهضت حروفه. شامل مباحثت: ۱) صنایع مطالعاتی و تحقیقی، ۲) تحلیلی بر اوضاع سیاسی، فرهنگی، دینی عصر تموریان در رابطه با حروفه، ۳) سرآغاز نهضت حروفه و حرکت نسیمی، ۴) ادامه نهضت حروفه بعد از نسیمی، ۵) ایندیلوژی حروفه.

دونده باره هم در سر درآید  
برنده تبغ هم گندی نماید

این اوراق را به پاس استفاده و استفاده چندین ساله از محضر علامه محقق و تنها متخصص بلا منازع و صاحب نظر تاریخ امراه طوری عثمانی، استاد زنده یاد پروفسور گوگ بیگلین از مغان می نمایم،

### فهرست مطالب و موضوعات

برای آگاه خوانندگان محترم، فهرست مطالب و موضوعات پیرامون مدخل تحلیلی بر نهضتهای ایران اسلامی از قرن سوم هجری تا عصر صفویه که در چند شماره تقدیم خواهد شد به شرح ذیل از این قرار است:

\* بخش اول: نهضت علیوان طبرستان، شامل مباحثت ۱) زمینه نهضت علیوان، ۲) سادات علیوی، سیاره مسلحانه، ۳) داوری درباره علیوان طبرستان، (مقاله حاضر)

\* بخش دوم: نهضت صاحب الزنج، شامل موضوعات ۱) منابع مطالعاتی، ۲) زمینه سیاسی و اجتماعی و دینی، ۳) علی بن محمد رهبر مبارزه، ۴) علل پیروزی قیام زنگیان، ۵) علل شکست.

\* بخش سوم: نهضت انقلابی قرمطیان، شامل مطالب: ۱) زمینه مذهبی نهضت، ۲) ابوسعید جنابی، ۳) سرانجام نهضت قرمطیان، ۴) علل شکست قرمطیان.

\* بخش چهارم: اسماعیلیان، شامل مباحثت: ۱) منابع مطالعاتی، ۲) جستجو در گردونه تاریخ، ۳) پسداش فرقه اسماعیلیه، ۴) جهان‌بینی فلسفی اسماعیلیه، ۵) امامت در اسماعیلیه، ۶) حسن صباح رهبر نهضت، ۷) قیامت القیامه، ۸) اسماعیلیه در دادگاه تاریخ.

\* بخش پنجم: سربداران (تحلیلی بر زمینهای نهضت

# نهضت علویان طبرستان

ساحل جنوبی دریای خزر تشکیل می‌شود نزد جغرافیانویسان به طبرستان معروف شده است. و احتمال دارد از دوره حاکمیت مغول کلمه «مازندران» جای طبرستان معمول شده باشد و امروزه هم همه آن نواحی را مازندران می‌نامند.<sup>(۴)</sup>

یا قوت حموی، اولین کسی است که کلمه مازندران را در کتاب معجم‌البلدان بکار برده. ظاهراً از اکثر مواقع، طبرستان و مازندران متادف و به یک معنی بوده. طبرستان به مناطق کوهستانی و مازندران به نواحی پست و کم‌ارتفاع اطلاق می‌شده است.<sup>(۵)</sup> آمل و ساری از شهرهای قدیمی ولایت طبرستان بشمار می‌آید که همین شهر آمل مدتی مرکز حکومت علویان بوده است.

درباره وضعیت جغرافیایی مازندران آثاری به رشته تحریر درآمده، که از آن جمله کتاب نفیس تاریخ مازندران را می‌توان نام برد<sup>(۶)</sup> که بسنحو تفصیلی به موقعیت جغرافیایی مازندران در گذشته پرداخته است. و اکثر جغرافیانویسان اسلامی از منطقه طبرستان در آثار خود یاد کرده‌اند.<sup>(۷)</sup>

ولايات ساحلی بحر خزر پس از ورود اسلام به ایران، سالیان دراز در برابر حکومت امویان مقاومت نموده و والیانی که از شام و بعداً بغداد در زمان عباسیان بدان نواحی گسیل می‌شدند، با مخالفت و مقاومت سخت کوشانه مردم روپرو می‌شدند.

مردم نواحی طبرستان علیرغم بسیاری از شهرهای مفتوحة ایران، تا دیرباز استقلال سیاسی خود را محفوظ

در مینه نهضتهاي سياسي - ديني در ايران از قرن سوم تا صفویه، ابتدا از علویان طبرستان سخن خواهد رفت. با توجه به اينکه دانشورانی دیگر<sup>(۸)</sup> فصلی را به زمينه اعتقادات علویان طبرستان اختصاص داده‌اند، لذا در اين مقاله بيشتر به جريانات سیاسی - تاريخي مبارزه علویان عنایت گردیده است.

در میان دولتهای شیعه مذهبی که در ایران روی کار آمدند، علویان طبرستان از جمله آنها بشمار می‌آید. البته بکار بردن اصطلاح «دولت» برای علویان یک تعابیر تاريخي - سیاسی است تا دیني، هرچند حکومت علویان براساس احیای شریعت اسلامی و مبارزه با فلم و ستم تأسیس گشته و مبتنی بر اعتقادات سیاسی - دینی زیاده بوده است.

ونباید از یاد برد که علویان طبرستان بجای انتخاب کلمه امام و یا حاکم و امیر، لقب داعی برخود نهادند که به معنی دعوت کننده مردم بسوی احکام و قوانین اسلامی است. از آنجا که علویان بنیان حکومت خود را در ولایات بحر خزر خصوصاً در طبرستان بنا نهادند، لذا در تاریخ به علویان طبرستان معروف گردیده‌اند.

در اینجا آگاهی با وضعیت و موقعیت جغرافیایی طبرستان اجمالاً ضروری است.

لسترنج در کتاب جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی به استناد منابع جغرافیایی پیرامون سرزمین طبرستان می‌نویسد: منطقه کوههای مرتفع که قسمت عمده آن از سلسله جبال البرز در استداد

«سپیدجامگان» معروف شدند.  
اگرچه پارهای از نویسندهای بزرگ این تلاشند که حرکت مازیار را حرکتی مردمی و قیامی ملی بنامند<sup>(۱)</sup>، اما واقعیت تاریخی جز این است که نوشتمندان.

تردید نباید داشت که قیام مازیار، قیامی بوده است و اپس گرایانه و بازگشت به نظام طبقاتی ساسانی و همچنین حفظ موقعیت و منزلت اجتماعی خویش که خود را به خاندانهای بزرگ محلی منسوب می‌دانست. ذکر این نکته مناسب است که خاندانهای محلی طبرستان که معروف‌ترین آنها اسپهبدان و آل باوند بودند، سیاست درستی در برابر سادات و نهضت آنان نداشتند، حتی سیاست مازیار در برابر خلیفه عباسی معتقد نامعلوم و دوپهلو بود، بگونه‌ای که پارهای از افراد این خاندان محلی برای حفظ منزلت و مقام خویش با سادات و علویان تمکین می‌نموده‌اند، چنانچه برخی از اسپهبدان مازندران با الثائر بالله که در شهرستان روسر حکومت داشت بیعت نمودند و بعد از در مخالفت و ناسازگاری درآمدند.

در نهضت سادات مرعشی در مازندران، ابتدا کیا افراسیاب چلابی با سید قوام‌الدین مرعشی از در دوستی و اطاعت درآمد و سرانجام به سرکوبی نهضت سادات دست یازید و بعدها تیمور که هیچگونه مذهبی جز بی‌مذهبی نداشت پس از سرکوب قیام سربداران در خراسان، بازماندگان سید قوام‌الدین را در مازندران دستگیر و تبعید نمود. پیرامون نهضت سربداران و قیام مرعشیان در آینده به تفصیل بحث خواهد شد.

جدا از خراسان، ایالات طبرستان و گیلان هم از مراکزی بودند که سخت در برابر ستم و ادب امویان ایستادند و پس از آنکه از غدر خاندان عباسی بر ابو‌مسلم آگاهی یافتدند بر مخالفت خویش افزودند و به بهانه خونخواهی ابو‌مسلم، دست به مبارزه علیه عباسیان زدند.

لذا جنبشها و نهضتها را که قرون اولیه اسلامی در

نگاه داشتند و تا نیمهای قرن دوم هجری، روی سکنهایی که در آن مناطق ضرب می‌شد خطوط پهلوی نقش بوده است.<sup>(۲)</sup>

در پارهای از شهرها و بلاد طبرستان، (احتمالاً بیشتر در مناطق کوهستانی) مردم به دیانت زردشت بر جای بوده‌اند.

از جمله عواملی که سبب تأخیر ورود اسلام به این سرزمین شد، بدین قرار است: دوری از مرکز حکومت، مخالفت امیران و خاندان‌های محلی که طرفدار رژیم ساسانی بودند با مسلمانان و همچنین عدم آگاهی مردم. و این زمانی بود که بسیاری از شهرهای ایران، اسلام را پذیرا شده بودند.

در قرون اولیه اسلامی، گیلان و طبرستان کانون مخالفت و مقاومت علیه امویان بشمار می‌رفت، و سربازانی که بدان دیار روانه می‌شدند چه در اثر رطوبت هوا و چه در اثر مخالفت مردم، جان خود را از دست می‌دادند و در حقیقت نگاهداری ایالات طبرستان و گیلان برای امویان سخت و دشوار گشت. خصوصاً که این والیان راه و رسم درستی اتخاذ نمی‌کردند و چه بسا با شکنجه و ستم بسیارگی از روس‌تاییان و دهقانان مسالیات و خراج بسیار طلب می‌داشتند.

عواملی از جمله: سخت‌گیری و دزم‌خوبی حاکمان، تعقیر فرهنگی و نژادی و تحمل مالیات و... مخالفتها و مقاومتها مردم را افزون می‌نمود و کمتر حاکمی می‌توانست سال یا سالیانی چند بر آن نواحی حکومت نماید.

در این میان بازماندگان خاندانهای محلی آن دیار که در سر هوای احیای نظام ساسانی را داشتند با استفاده از اعمال نامطلوب حاکمان و رفتار ستم‌گرایانه عمال اموی و همچنین ناخشنودیهای مردم، دست به عصیان و قیام می‌زدند. از آن جمله است قیام مازیار در طبرستان که به

از آنها دارای اختیارات گسترده‌تری بودند.

(۲) پاره‌ای از خاندانهای محلی طبرستان ضمن اطاعت از خلافت بغداد نفوذ و اعتبار محدود سیاسی خود را حفظ نموده و ضمن پذیرش اسلام، مالیات سالیانه معهود را به بنداد روانه می‌نمودند.

(۳) با روی کار آمدن حکومت طاهریان در خراسان در سال ۲۰ هجری فمری خلافت عباسی، ولایت طبرستان را ضمیمه حکومت آنان نمود و امیران طاهری هم نمایندگانی از سوی خود به آن دیار می‌فرستادند.  
 (۴) مهاجرت و اسکان سادات علوی در طبرستان و گیلان سبب شد که مردم علاقه و توجه فراوان به فرزندزادگان پیامبرنشان دهند و چنانچه توضیح آن بباید برای دفع ظلم و ستم بدانان مراجعت نمایند.

(۵) در آن زمان شهرهایی چند کانون تشیع بود که معروف‌ترین آنها عبارت بودند از نیشاپور (بخشی از نیشاپور)، هرات، جوزجانان، غور، سبزوار، ری، قم، آمل، ساری، بلاد دیلم و بعضی از شهرها و سوادقوص و قهستان.

در این میان شهرهایی مانند ری کانون اصلی و مسلحانه مبارزات شیعیان علیه بنی عباس بشمار می‌آمد.

**قیامهای شیعی زمینه‌ساز نهضت علویان**  
 انقلاب عاشورا، الهام‌بخش همه نهضتهای شیعی بوده (اعم از زیدی، هفت‌امامی و اثنی عشری) که در ایران و دیگر نواحی روی داده است، بعد از انقلاب عاشورا، و نهضت توابین در سال ۶۵ هجری و قیام مختار ثقیقی در سال ۶۷ هجری، قیام قهرمانانه زیدین علی بن حسین<sup>(۶)</sup> در سال ۱۲۲ هجری از عمیق‌ترین حرکتهایی بود که در کوفه روی داد و اثرات آن تا سالیانی چند برجای ماند.

بعد از سادات حسنی و حسینی به متابعت از انقلاب عاشورا و قیام زید و برای مبارزه با مدد عیان خلافت اسلامی یعنی امویان و عباسیان، دست به قیام مسلحانه

ایران روی داده به شرح ذیل می‌توان بررسی کرد:

(۱) جنبش‌های مذهبی: این حرکتها ونهضتها جهت بازگرداندن مردم از اسلام واحیا اندیشه‌های زردشتی بوده است، چنانچه نرشخی در تاریخ بخارا از مخالفت مردم دربرابر مسلمانان و پافشاری در اعتقادات خویش یاد می‌کند.<sup>(۱۰)</sup>

(۲) عصیانها و مخالفتهای سیاسی: این حرکتها، مقاومت در برابر ستم امویان و عباسیان بوده است تا مبارزه علیه اسلام. در ایالت خراسان، داعیان بنی عباس به تشویق ابومسلم خراسانی سلیمان بن کثیر بکیر بن ماهان وابوسلمه خلال از ناراضیتی مردم از دستگاه بنی امیه استفاده سیاسی نموده و به علاقه‌ای که مردم ایران به خاندان پیامبر (ص) داشتند و به نام «بیعت و دعوت برای آل محمد» در سال ۱۳۲ هجری حکومت امویان را برانداختند.

(۳) قیامهای خواج در عراق و ایران، خصوصاً سیستان.

(۴) نهضتهای اصیل اسلامی که ملهم از قیام عاشورا بود، مانند نهضت زید بن علی<sup>(ع)</sup> و دیگر سادات حسنی و حسینی.

مردم مازندران از قیام مازیار بهره‌ای نیافتند و مازیار به جهت نداشتن همراهی و همگامی مردم، توانست نفوذ عباسیان را در طبرستان تضعیف کند.<sup>(۱۱)</sup>  
 مهاجرت سادات حسنی و حسینی به ولایات دریای خزر خصوصاً گیلان و دعوت مردم به اسلام (تشیع) بارقه امیدی در دل مردم روشن ساخت و مردم آن نواحی از هیچگونه مساعدتی به سادات علوی برای کوتاه نمودن دست امویان خودداری ننمودند.

**اوپرای سیاسی ایران در آستانه نهضت علویان**

(۱) خلافت عباسی به عنوان مرکزیت سیاستی و دینی بر همه شهرهای تابع حکومت، اشراف داشت و برای هریک از ولایات والیانی تعیین می‌نمود که برخی

د- دوره چهارم: قیام سید قوام الدین مرعشی در مازندران.

از آنجا که در زمینه نهضت سادات مرعشی در مقالتی جداگانه بحث شده است و در آینده درج خواهد شد، لذا در این مقاله فقط پیرامون دوره‌های اول و دوم حکومت علویان سخن خواهد رفت.

#### دوره اول حکومت علویان:

##### نهضت سادات علوی در طبرستان

علی‌رغم سرکوب قیام علویان از سوی خلفای عباسی، بسیاری از شهرها کانون و پایگاه مبارزة سیاسی- مذهبی علویان گردید که از آن جمله ولایات طبرستان و دیلم بود. از آنجا که حکومت علویان طبرستان از نظر اعتقادی طرفدار زید بن علی بود، لذا اندیشه و اعتقادات زیدیه در بلاد خزر خصوصاً در مازندران تسری یافت که احتمالاً تاروی کارآمدن حکومت صفویان برخی از شهرهای گیلان و مازندران بر اعتقادات زیدیه برجای بوده‌اند.

لازم به یادآوری است که زید برادر ارجمند امام محمد باقر<sup>(۱)</sup> فردی بود عالم و آگاه و مسئول و به دعوت شیعیان از مدینه به کوفه آمد و قیام مردم را علیه هشام بن عبدالملک اموی رهبری کرد و سرانجام پس از تحمل شکنجه‌های طاقت‌فرسا، مصلوب و محروم گردید.<sup>(۲)</sup>

تردید نباید داشت که هدف زید سرنگونی نظام جور و ظلم اموی و ایجاد عدالت و اجرای قوانین اسلامی در جامعه بود و اصلاً ادعای امامت و خلافت برای خود را نداشت و حتی پاره‌ای از مورخان شاگردی زید در نزد واصل بن عطا پیشوای معتزلیان را انکار نموده‌اند.<sup>(۳)</sup> پس از شهادت زید، فرزندش یحیی به سوی ایران آمد و در خراسان دست به تبلیغ زد، نصرین سیار حاکم نیشابور که بمحضونت و سخت‌دلی مشهور بود به دستور

زدند<sup>(۴)</sup> که به پاره‌ای از آنها می‌توان اشاره کرد، مانند:

قیام یحیی بن زید در زمان ولید بن عبدالملک در جوزجان خراسان در سال ۱۲۵ هجری قمری.

نهضت محمد نفس زکیه، علیه منصور عباسی در سال ۱۴۵ هجری.

قیام حسین بن علی بن حسن در زمان هادی خلیفه عباسی، سال ۱۶۹ هجری.

قیام ادريس بن عبدالله در شمال آفریقا، علیه هارون، در سال ۱۷۲ هجری.

قیام یحیی بن عبدالله بن حسن در دیلم، در سال ۱۷۵ هجری.

قیام محمد بن ابراهیم ابی لسرایا، علیه مأمون در سال ۱۹۹ هجری.

قیام عبد الرحمن در یمن در سال ۲۰۷ هجری علیه مأمون و غیره...

بازگویی و ارزیابی همه این نهضتها از حیطه و گنجایش این مقال بیرون است.

پاره‌ای از این نهضتها خصوصاً قیام یحیی بن زید در خراسان و قیام یحیی بن عبدالله در دیلم، علیه هارون الرشید در بیداری مردم دیلم تأثیر فراوان داشت. و برخی از مورخان در محبوبیت یحیی بن زید در خراسان می‌نویسد: مردم آن دیار در عزای یحیی هفت شبانه‌روز گریستند و تعزیت برپا نمودند و به پاس احترام و علاقه‌ای که مردم به یحیی داشتند هر فرزند ذکوری که در سال شهادت یحیی از مادر بزاد او را یحیی نام نهادند.<sup>(۵)</sup>

غلبه و حاکمیت علویان در ولایات دریای خزر را می‌توان به چهار دوره مجزا تقسیم کرد:

الف- دوره اول: دوره حکومت سادات علوی به نام علویان طبرستان تا پایان قیام ناصر کبیر.

ب- دوره دوم: حکومت الشافع بالله، معروف به سید ابیض در روتسر.

ج- دوره سوم: نهضت سید علی کیا در لاهیجان.

به سرزمین دیلم پناه آورد و دست به تبلیغ و ترویج اسلام زد، یحیی بن عبد الله از نوادگان امام حسن بن علی علیه السلام بود که در سال ۱۷۵ هجری در زمان هارون الرشید به این دیار آمد.<sup>(۱۷)</sup>

نهضت حسن بن زید علوی (۲۵۰ هجری) هدف این اوراق بازگویی و قایع وحوادث تاریخی نیست، چه در اکثر منابع و مأخذ مربوط به آن دوره در این زمینه به حد وافی و کافی سخن گفته‌اند، ولی اشاره به پاره‌ای از جریانات سیاسی بی‌فااید نخواهد بود.

از زمانی که طبرستان در حوزه فرمانروایی طاهیریان قرار گرفت، امیران این سلسله افرادی را جهت اداره امور ولایات با اختیارات نامحدود اعزام می‌نمودند.

در زمان امارت محمد بن عبد الله طاهر (۲۴۸-۲۵۹) جابر بن هارون، محمد بن اویس بلخی را جهت اخذ مالیات به طبرستان گسیل داشته و بتایب آنچه که مورخان آورده‌اند بر مردم ظلم و ستم فراوان نمود تا آنجا که گروهی از مردم از روی اضطرار فرار را برقرار ترجیح داده و به سوی گیلان و دیلم کوچ نمودند و گروهی دیگر از مردم از محمد بن ابراهیم بن علی از فرزندان آل علی که در رویان مازندران مقیم و سخت مورد احترام مردم بود طلب یاری نمودند.

او مردم ناراضی و متعزض را نزد حسن بن زید علوی که در آن زمان در ری اقامت داشت رهنمون شد.

فراموش نباید کرد که شهرری در قرن سوم هجری مرکز فعالیت علوبیان و شیعیان بود (و تا حمله مغول از شهرهای بزرگ اسلامی و کانون علم و دانش بود).

حسن بن زید دعوت مردم طبرستان را پذیرفت و بسوی آن دیار روانه گشت و در ناحیتی که امروز به کلاردشت معروف است اهالی باوی بیعت نموده و او خود را «داعی الحق الی الخلق» یا «داعی کبیر» نامید و مؤسس جنبش علوبیان طبرستان شد.

خلیفة وقت مأمور دفع قیام یعنی شد و در پی نبردی که در جوزجانان روی داد به شهادت یعنی انجامید.

البته شهادت یعنی بن زید زمینه پیروزی عباسیان را فراهم ساخت واپرایان که طرفدار آل علی بودند به همت ابومسلم خراسانی خاندان اموی را برانداختند.

ایرانیان خصوصاً شیعیان بدین امید که با فروپاشی امویان آزادی بیشتری خواهند یافت در براندازی دستگاه جابر امویان مشارکت نمودند.

متأسفانه عباسیان در ظلم و ستم و تعدی به سادات و خاندان علی<sup>(۱۸)</sup> وایجاد محدودیت برای آنان، گوی سبقت را از امویان ربودند و بدین سان احوال سادات دگرگون شد و پاره‌ای از آنان به ایران آمدند و در گیلان و طبرستان اقامت گزیده، مردم را به دیانت اسلام دعوت نمودند و همچنین مبارزه علیه خلافت غاصب عباسی را ادامه دادند و ولایات دریای خزر ملجا سادات علوی شد و اهالی گیل و دیلم با خلوص و عطوفت پذیرای علوبیان گردیدند.

روی کار آمدن طاهیریان در خراسان و انتخاب نیشابور به عنوان پایتخت، چهره سیاسی شرق ایران را دگرگون ساخت، زیرا آنان برای اولین بار در اوایل نیمة قرن سوم هجری نخستین حکومت محلی نیمه مستقل ایرانی را بر پاداشتند.

خلافت عباسی برای اینکه طاهیریان را سدی در برای حرکتها و قیام‌های خراسان قرار دهد واز سویی بتواند جنبش‌های علوبیان را در طبرستان سرکوب نماید، حکومت طبرستان را هم ضمیمه حکومت طاهیریان نمود و بعداً جانشینان طاهر به سرکوب مبارزات علوبیان دست یاریدند.

طاهیریان از سوی خود والی ویا حاکم به طبرستان گسیل نموده و در اثر سیاست نابخردانه همین حاکمان بود که مردم در خشم شدند و بر نمایندگان طاهر شوریدند واز علوبیان مقیم دیلم یاری طلبیدند.<sup>(۱۹)</sup>

چنانچه قبلًا هم یاد آوری گردید از اولین ساداتی که

توضیح اینکه اسپهبدان طبرستان نوای مخالفت ساز نموده و رافع بن هرثمه که همواره سودای قدرت در سرمی پروراند مدعی حکومت طبرستان بود. هرچند این رافع خود را طرفدار علویان می‌دانست، اما در این راه صادق نبود.<sup>(۲۲)</sup>

از سویی سامانیان در ماوراءالنهر قدرت سیاسی نیرومندی بشمار می‌آمدند. خصوصاً پس از سقوط عمرولیث در سال ۲۸۷ به دست امیر اسماعیل سامانی، این امیر بر آن شد که قلمرو حکومت خویش را توسعه دهد و همچنین به جنبش علویان در طبرستان پایان بخشد.

لذا امیر سامانی به طبرستان لشکر کشید و در گیری و مصاف در نزدیکی گرگان روی داد و محمدبن زید به شهادت رسید (۲۳).<sup>(۲۳)</sup>

بدینسان سامانیان بر طبرستان مستولی شدند و محمدبن هارون به حکومت آن نواحی دست یافت. محمدبن زید مردی فاضل و اندیشهمند بود. و در اعتقادات زیدیه معلومات فراوان داشت و ابن ندیم در کتاب الفهرست از وی آثاری چند در فقه یاد می‌کند که معروفترین آنها عبارتند از «الجامع فی الفقه»، «كتاب البیان» و غیره.

### نهضت ناصر کبیر یا ناصر اطروش

با شهادت محمدبن زید در سال ۲۸۷ هجری، شعله قیام سادات در مازندران خاموش نشد و به روایت ابن اسفندیار، مردم آن نواحی پس از به شهادت رسیدن وی با یکی از نوادگان علی بن حسین (ع) به نام ابومحمد حسن بن علی، معروف به سید «ناصر کبیر» یا «ناصر الحق» بیعت نمودند.

ناصر که از قدرت مدیریت قوی برخوردار بود، در سادات نفوذ بسیاری داشت.

محمدبن هارون که ابتداء از مخالفان علویان بود با ناصر کبیر بیعت کرد و اعلام اطاعت نمود و نمایندگان

وروド پیروزمندانه داعی کبیر در سال ۲۵۰ هجری به آمل سبب شد که طرفداران خاندان طاهری شهر را ترک نمایند و از سویی مردم آمل بالاتفاق با وی بیعت نمودند.

تفصیل این روایت را ابن اسفندیار کاتب در کتاب تاریخ طبرستان و اولیاء الله آملی در تاریخ رویان و سید ظهیر الدین مرعشی در تاریخ طبرستان و مازندران آوردند.<sup>(۱۸)</sup>

طاهریان که از دست دادن ولایت بزرگ و حساسی چون طبرستان سخت نگران بودند، سلیمان بن عبدالله را با سپاهیان و تجهیزات فراوان به دفع حسن بن زید فرستادند که این سپاهیان در مصافی که روی داد هزیمت یافتهند و این دو مین پیروزی علویان بود.<sup>(۱۹)</sup>

در این میان، اسپهبدان باوندی طبرستان هم از در اطاعت در آمدند و حاکمیت داعی کبیر را پذیرا شدند.<sup>(۲۰)</sup>

از رویدادهای بسیار مهم دوران حسن بن زید، لشکر کشی یعقوب صفاری به طبرستان است، یعقوب لیث که خود از طریق عیاری و آزادگی با همراهی جوانمردان و عیاران سیستان به حکومت دست یافته و از سویی جکومت طاهریان را در نیشاپور برانداخته بود، در صدد برآمد که ولایت طبرستان را از آن خود سازد لذا در دهمین سال حکومت حسن بن زید (۵۶۰) یعقوب به ساری وارد شد و داعی کبیر به کوهستانهای طبرستان پناهندۀ گشت.

اما یعقوب نتوانست در طبرستان بماند، به خراسان بازگشت و داعی دو باره بر ساری و آمل مستولی شد و این بار تا سال ۳۷۰ حکومت کرد و در همین سال چشم از جهان پوشید.<sup>(۲۱)</sup>

پس از داعی کبیر برادرش محمدبن زید حکومت را در دست گرفت. این بار حکومت علویان، هم با مخالفان داخلی و هم با معارضان خارجی روبرو شد.

افغانه با روسها در همین شهرستان رو دسر در گیر شده بود و از روسها شکست خورد.

شاه عباس اول در شهرستان رو دسر مراسم جشن آبپاشی برگزار کرد. رو دسر در زمان صفویه شهر کی آباد بوده است.<sup>(۲۴)</sup>

او ضاع سیاسی و تاریخی زمان الثائر بالله معروف به سید ابیض با سید نورانی مصادف با حکومتهای مستقaren محلی در ایران خصوصاً در طبرستان و گیلان بوده است. حکومتهای آل زیار و آل بویه جهت تصرف شهرها به جنگهای بی هدف پرداخته و در این میان زیان فراوان به مردم وارد می آمد.

آل بویه که قدرتی قوی تراز آل زیار بود و چون بسیاری از شهرهای ایران را تصرف کرده و حتی خلافت بغداد را تحت سلطه و نفوذ سیاسی و دینی خود داشتند به طبرستان و رویان هم چشم داشته و برای بدست آوردن آن نواحی تلاش می نمودند.

الثائر بالله معروف به سید ابیض با شائری در شهرستان رو دسر (هوسم قدیم) اقامت داشت و در گیر رقابت‌های سیاسی امیران محلی بود. شجره‌نامه صحیح الثائر بالله به شرح ذیل است: ابوالفضل جعفر بن محمد بن حسین المحدث بن علی بن حسن بن علی الاراف بن علی زین العابدین بن حسین بن علی عليه‌السلام<sup>(۲۵)</sup> و برادرزاده ناصر کبیر و فرزند محمد که او فرزند حسین المحدث است و از پنج نسل نسب ایشان به امام زین العابدین عليه‌السلام میرسد.

الثائر بالله قبل از آمدن به رویان، در شهرستان رو دسر می زیسته، اما از نحوه زندگانی و مبارزات وی اطلاعات مبسوطی در دست نیست. و ظاهراً در میان مردم رو دسر محبوبیت فراوان داشته و با قدرت حکومت می نموده و یک مدرسه دینی داشته است.

البته وی را با القاب ابوالفضل و ابو جعفر در متون تاریخی ذکر کردند و چندتن دیگر از سادات هم لقب ابو جعفر داشته‌اند مانند ابو جعفر دائمشی، ابو جعفر ناصر

و سپاهیان امیر اسماعیل سامانی از سپاهیان ناصر کبیر شکست سخت خوردند.

ناصر کبیر تا سال ۳۰۴ هجری حکومت کرد و مورخان این سال را سال مرگ وی نوشته‌اند.

فرمانروایی حسن بن قاسم معروف به داعی صغیر، پایان دوره اول حکومت علویان بر طبرستان است. در این زمان فشار سیاسی و نظامی سامانیان به فرمادنهی محمد صعلوک بر علویان فرزونی یافته بود. اما فداکاریهای لیلی بن نعمان که از سرداران با شهامت داعی صغیر بود، مانع از استیلای مجدد سامانیان بر طبرستان گردید.

داعی صغیر و سردارش با سیمبعوردواتی - سردار معروف امیر نصر سامانی - مصاف دادند. و داعی صغیر بعداز سالها مقابله با مخالفان داخلی و هجوم سرداران سامانی در سال ۳۱۶ هجری در ری به شهادت رسید. سرانجام با مرگ وی حکومت ۶۶ ساله علویان بر طبرستان به پایان آمد.

## دوره دوم حکومت علویان نهضت الثائر بالله در رو دسر مناسب است قبل اجمالی درباره رو دسر آورده شود.

رو دسر از شهرهای قدیمی و تاریخی استان گیلان بشمار می آید و قبل از نام هوسم بوده است و در قدیم هوتمن یا کوتمن نامیده می شده. و احتمالاً اولین بار مؤلف کتاب حدود العالم از آن یاد کرده است. در زمان حکومت و ریاست الثائر بالله از شهرت فراوان برخوردار بود. ابو جعفر هوسمی از بزرگان دین از همین دیار بود و همچنین امام فخر رازی که او را هم از اصل از رو دسر دانسته‌اند.

در دوره مغول امیر چوپان در نزدیکی تسمیجان رو دسر با حکام محلی مصاف داد و به روایت لاکهارت در انقراض سلسله صفویه، محمد صید آل خان سردار

سخن نمی‌گویند.<sup>(۲۸)</sup> شاید انگیزه اختلاف نظر الشائز بالله بر تأسیس حکومت برینجان ضوابط شرعی و دینی در آمل بوده است.

الشائز بالله، دلگیرانبه گیلان آمد و دوباره در شهرستان رودسر اقامتنمود، در این زمان مخالفان الشائز بالله غلام او به نام «عمیسر» را تحیریک نموده تا علیه وی دست به عصیان زندن و شاید عمال حکومت آل بویه در این تحیریک و اغتشاش دست داشته‌اند.

الشائز بالله از مردم رودسر قهر نموده و در قریه میانده از دهات وابسته به چاپکسر از بخش‌های شهرستان رودسر اقامت گزید و در همان دهکده وفات<sup>\*</sup> نمود.<sup>(۲۹)</sup>

سید ظهیر الدین مرعشی در کتاب تاریخ طبرستان می‌نویسد: سید ابیض الشائز بالله در قریه میانده از ولایت سیاهکلرود اقامت داشته و خود وی آن مقبره را زیارت نموده و نویسنده یعنی مرعشی اظهار می‌دارد که مدتی هم داروغه‌گی ولایت سیاهکلرود را بر عهده داشته است.<sup>(۳۰)</sup> پس از آن مؤلف به تفصیل از قیام الشائز بالله در کتابش یاد می‌کند.<sup>(۳۱)</sup>

الشائز بالله به احتمال زیاد در سال ۳۴۸ هجری وفات نموده است.<sup>(۳۲)</sup> نظر برخی از مورخین این است که او آخرين سید علوی است که برای اجرای احکام

\* البته برخی روایات این است که سید بعد از نبرد آمل نبردهای دیگری هم داشته و پس از روی برگرداندن از مردم رودسر در منطقه‌ای به نام کنه میانده اقامت می‌گزیند و در همانجا به شهادت می‌رسد و جسد مطهورش را در میانده دفن می‌کنند. این روایات بیشتر در افواه عموم مردم آن مناطق فی السحال رواج دارد. اما سنتیت تاریخی ندارد. و شهادت الشائز بالله را در کنه میانده برخی از مسودات خطی که این اواخر نوشته شده ذکر کرده‌اند و این «جنگهای خطی» مبتنی بر روایات دقیق تاریخی نیست.

<sup>†</sup> خواندمیر در کتاب حبیب‌السیر، قریه سیاه‌کله رود را شاه‌کلرود می‌نویسد که اشتباه است.

ابو جعفر محمد، ابو جعفر هوسی، ابو جعفر الشائز بالله. توضیح این نکته ضروری است که در منابع تاریخی از الشائز بالله دیگری به نام ابوطالب علوی الناطق بالحق هم یاد کرده‌اند که او غیر از سید ابیض الشائز بالله است.<sup>(۳۳)</sup> و شخص دیگری هم لقب الشائز بالله داشته و آن ابوالفضل جعفر بن محمد بن حسین بن عیسی بن عمر بن علی بن ابیطالب فرزند او نواده ناصر کبیر بود.

معلومات در زمینه حیات و حکومت الشائز بالله در شهرستان رودسر بسیار محدود است. لین پل، مؤلف کتاب طبقات سلاطین اسلام، اشاره به این نکته دارد که الشائز بالله در شهرستان رودسر سکه به نام خود ضرب کرده است، ولی نگارنده این سطور از وجود چنین سکه‌ای بی‌اطلاع است.<sup>(۳۴)</sup>

در دورانی که سید ابو جعفر الشائز بالله در رودسر اقامت داشت حکومت رویان به دست ابوالفضل محمد بن شهریار بود که به جای پسرش اسپهبد شهریار بن جمشید به حکومت رسیده بود.

در این زمان میان حاکم رویان و اسپهبد شهریارین دارا اختلاف روی داد، اسپهبد شهریار به حسن بسویه از سلاطین آل بویه بناء بردا واز او مدد خواست. حاکم رویان برای اینکه به تقویت بنیان حکومت خویش بیافزایید دعوت‌نامه‌ای برای الشائز بالله به رودسر فرستاده واور را به ولایت رویان خواند و الشائز بالله این دعوت را پذیرا شد و به آن دیار رفت (سال ۳۴۷) هجری.

این حوادث درست بسیست و یک سال بعد از شهادت داعی صفیر در طبرستان روی داده است. رکن‌الدوله حسن بویه وزیر خود ابن‌العید را جهت دفع و سرکوب الشائز بالله به رویان فرستاد و این نبرد در نزدیکی تمیجان روی داد و ابن‌العید شکست فاحش یافته، هزیمت نمود. سپس الشائز بالله با پیروزی به شهر آمل وارد شد.

اما بعد از این پیروزی، میان حاکم رویان والشائز بالله اختلاف روی داد که مورخان از علت این اختلاف

روایت کردند که روزی داعی کبیر در آمل از گذرگاهی می‌گذشت نوشتهای بر دیوار بود با عنوان «الله فرد و زید فرد» ناگهان داعی فریاد کشید زیدعبدی بیش نیست و چندین بار گفت «الله فرد و زید عبد».

در میان علیوان طبرستان داعی کبیر و ناصر کبیر از شخصیت و نفوذ بیشتری برخوردار بودند و بعد از فرزندزادگان همین ناصر کبیر در رودسر و توابع سالیان چند حکومت نمودند.

علیوان طبرستان اعتقادات زیدیه را ترویج می‌نمودند و به زیدیه طبرستان معروف گردیدند. بعضی از حاکمان علوی، خود اهل تحقیق و تألیف بودند و جهت ترویج اسلام در طبرستان و دیلم تلاش فراوان مبذول داشتند. تا آنجا که در شهرهای ساری-آمل-چالوس-رودسر مرکزو-مدارس علمیه بنانهادند. از جمله الثائر بالله در شهرستان رودسر یک مدرسه دینی داشت.

متأسفانه طاهریان، صفاریان، سامانیان بنای مخالفت با علیوان را نهادند، و در این میان سیاست

\* الثائر بالله معروف به سیدابیض، سیدی بزرگوار، شجاع و کریم بود و به سبب وجاهت چهره به سیدابیض یعنی سید نورانی معروف بوده است. اهالی میانده و چابکسر و رامسر و توابع احترام فراوان برای تربیت وی قائلند و کرامات زیادی به وی نسبت می‌دهند، حتی در گذشته به جهت احترام، سواره از کناره بارگاه و مرقد مطهر وی نمی‌گذشتند. سید را بدان جهت ثائیر می‌گفتند که ثائر به معنای طلب‌گننده خون می‌باشد و در اصل لقب امام حسین [۱] بوده است.

○ برخی از نوادگان ناصر کبیر در شهرستان رودسر حکومت داشتند، از جمله ابو محمد حسن ملقب به میرک یا امیرک که چهل سال بر رودسر حکومت نمود و همچنین ابوعبدالله محمدقاسم داعی، ملقب به مهدی (م ۳۵۹).

تفصیل احوال آنان را نگارنده در تاریخ رودسر و توابع که در دست تحقیق دارد آورده است.

اسلامی قیام نموده.

پس از نهضت الشاشر بالله<sup>\*</sup> تا زمان نهضت سید علی کیا در گیلان ونهضت سید قوام‌الدین مرعشی در مازندران از چهره مشخصی از سادات که معروفیت داشته باشد در منابع یاد نگردیده است.<sup>۵</sup>

### اهمیت نهضت علیوان در تاریخ ایران

از زمان مهاجرت سادات حسنی وحسینی به گیلان و طبرستان و مبارزه علیه خلفای جائز بنی عباس توجه و ارادت مردم به علیوان تزايد و متضاعف گشت، ولايات بحر خزر دیرتر از سایر نواحی و بلابه تصرف مسلمین در آمد و شاید یکی از علل این امر مقاومت کاذب زمینداران بزرگ محلی بوده است.

این زمینداران و امیرکهای محلی که ریشه در اشرافیت کاذب ساسانی هم داشتند، حضور اسلام را خطری بزرگ برای خود دانسته و به بهانه مبارزه با ستم‌بارگی عباسیان، مردم را فربی می‌دادند.

مازیاریکی از مخالفان عباسیان بود که نه بخاطر مردم بلکه به جهت محافظت موقعیت کاذب اجتماعی خویش دست به قیام زده بود.

علیوان طبرستان با شرف انتساب به امام علی علیه‌السلام بنیان یک حکومتی کامل‌آمردمی را بنا نهادند و از همان آغاز در چند جمیع می‌جنگیدند:

الف: مبارزه علیه عمال خلافت عباسی.

ب: مبارزه با امیران و زمینداران محلی.

ج: نبرد با طاهریان، صفاریان، سامانیان.

مردم طبرستان به ابتکار علیوان دست به نبرد مسلحانه علیه نمایندگان خلافت عباسی زدند. راز علاقه مردم به آنان، همانا صداقت و سادگی علیوان بود. آنان با مردم به مساوات و سماشات رفتار می‌نمودند و در میان مردم محبوبیت داشتند.

به گونه‌ای که هر وقت داعی کبیر از ناحیستی می‌گذشت انبوه مردم به استقبال وی می‌آمدند. و

- ۲- تأسیس حکومت براساس شریعت اسلام.
- ۳- اولین دولت شیعی مذهب در ایران.
- ۴- ایجاد مدارس و مراکز فرهنگی در شهرهای طبرستان و گیلان.
- ۵- تأسیس حکومت ساده و بی‌تكلف و مردمی.
- ۶- فراهم نمودن جنگهای مسلحانه برای مبارزه با حکام جور.

یعقوب لیث نسبت به علویان قابل توجیه نیست، زیرا یعقوب خود از مخالفان خلیفه بود.  
اتحاد و همکاری با علویان ممکن توانست قدرت عباسیان را تضعیف کند. متأسفانه یعقوب لیث شاید به جهات دینی با علویان روی سازگاری نداشت.  
علویان به جهاتی چند در تاریخ ایران اهمیت دارند:  
۱- انتشار اسلام در طبرستان و گیلان.

#### یادداشتها:

- ۹- عباس پرسویز، قیام ایرانیان در راه تجدید مجد و عظمت ایران، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۵۱، فصل سوم: قیام‌های مذهبی، ص ۵۸-۱۰۵ و کتاب مازیار به قلم صادق هدایت و مجتبی مینوی.
- ۱۰- ابوبکر محمدبن جعفر نرشخی، تاریخ بخارا، تصحیح مدرس رضوی، تهران انتشارات توسع، ص ۱۱ به بعد.
- ۱۱- بر تولد، اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاتری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۴، ص ۵. ایلیا پاولویچ پطر شفسکی، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۵۷ به بعد. عباس پرسویز: قیام ایرانیان در راه تجدید مجد و عظمت ایران، فصل چهارم به بعد، ص ۱۰۵. غلامرضا انصافیور، روند نهضت‌های ملی و اسلامی در ایران، تهران، ۱۳۵۹، ص ۲۳۴ به بعد
- ۱۲- رک: محمد رسول دریائی، امام هادی و نهضت علویان، تهران، انتشارات رسالت قلم، ۱۳۶۱.
- ۱۳- درباره شهادت زید و اثرات آن مراجعت شود به: مسعودی، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنیگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷، ج ۲، ص ۲۷۰.
- ۱۴- جمال الدین احمدبن علی، عمدة الطالب، نجف، ۱۳۳۷، ج ۱، ص ۲۴۸. حسین کریمان، سیره و قیام زید بن علی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۴، باب سوم: قیام و شهادت زید، صفحه ۲۳۹ به بعد. ابوعلی بلعمی، ترجمه تاریخ طبری، تهران، بنیاد فرهنگ ایران سابق، ۱۳۴۴، ش، حسادت سالهای ۱۳۲-۱۵، ص ۴۳۶. هندوشاه نخجوانی، تجارب السلف، چاپ دوم، تهران، ۱۳۴۴، ص ۸۱.

- ۱- رک: کیهان اندیشه، شمارهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷.
- ۲- رک: کیهان اندیشه، شماره ۸، صفحات ۸۴-۱۰۶.
- ۳- رک: ابوالفتح حکیمیان، علویان طبرستان، فصل اعتقادات.
- ۴- لسترینج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، چاپ دوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴، ص ۳۹۴.
- ۵- مأخذ یاد شده.
- ۶- رک: اسماعیل مهجوری، تاریخ مازندران (جلد اول).
- ۷- رک: احمد بن یعیی البلاذری، فتوح البلدان (بغش مریوط به ایران) ترجمه دکتر آذر تاش آذر نوش، تصحیح سید محمد فرزان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۴، ص ۹۲.
- ۸- گران- طبرستان و نواحی آن. ابن رسته الاعلاق النفیس، ترجمه حسین قره چانلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵، ص ۱۷۶ به بعد، ابن حوقل، سفرنامه ابن حوقل، ترجمه و توضیح دکتر جعفر شمار، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶، فصل هشتم: دیلم و طبرستان، صفحات ۱۱۸-۱۲۲.
- ۹- برای اطلاعات تفصیلی بپردازند طبرستان در دو قرن اولیه اسلامی به منابع ذیل رجوع شود: محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ابن اسفندیار گاتب، تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال، سید ظهرالدین مرعاشی، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، بکوشش محمد حسین تسبیحی، انتشارات مطبوعاتی شرق. اولیاء الله آملی، تاریخ رویان و کتاب ارزشمند تاریخ مازندران، تألیف اسماعیل مهجوری، در ۲ جلد.

- مقاله بکار برده است یا مترجم و مترجم محترم که تاکنون چندین کتاب در زمینه تاریخ ایران اسلامی ترجمه نموده‌اند باید به صرفت دریافت شاشد که علیوان طبرستان لقب «شاه» نداشته‌اند و از اینگونه اشتباها در جلد پنجم تاریخ کمبرج که توسط همین مترجم محترم ترجمه گردیده فراوان دیده‌می‌شود و شایسته است اینگونه کتابهای تاریخی که معروفیت علمی هم دارند با تضليل و سوساس علمی بیشتر ترجمه شود).
- ۲۰- اسمعیل مهgorی، تاریخ مازندران، ج اول.
- ۲۱- لین پل، طبقات سلاطین اسلام، ص ۹۲، ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ص ۲۳۹، اولیاء الله آملی، تاریخ رویان، تصحیح منوچهر ستوده، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸، ص ۹۲-۳.
- ۲۲- حسن کریمان، سیره و قیام زید بن علی، ص ۳۷۴، دایرةالمعارف فارسی، ذیل علیوان طبرستان، ج ۲، ص ۱۷۶.
- ۲۳- تاریخ سیستان، مؤلف مجهول، ص ۲۵۱، ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ص ۲۵۶.
- ۲۴- سید کاظم روحانی، تاریخ روسر و توابع (نسخه مخطوط) ورق ۱۶.
- ۲۵- سید ظهیر الدین مرعشی، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، تصحیح محمدحسین تسبیحی، انتشارات مطبوعاتی شرق، تهران، ۱۳۴۵، ص ۱۵۵.
- ۲۶- ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ص ۹۴.
- ۲۷- رک: لین پل، طبقات سلاطین اسلام، ترجمه عباس اقبال.
- ۲۸- مولانا اولیاء الله آملی، تاریخ رویان، تصحیح منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران سابق، تهران، ۱۳۴۸، ص ۱۱۶.
- ۲۹- مأخذ یاد شده.
- ۳۰- سید ظهیر الدین مرعشی، تاریخ طبرستان، ص ۱۵۵.
- ۳۱- مأخذ یاد شده، ص ۱۵۴-۱۵۵. حبیبالسیر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۳، ص ۴۱۶.
- ۳۲- استاد محمد صابر خان، در پیرامون شیعیان گیلان، مجله آینده، ج ۶، سال ۱۳۵۹، ص ۳۵۳.
- ۱۴- گذشته از منابع شماره قبل مراجعه شود به: ابوالفرح اصفهانی، مقاتل الطالبين، تهران، ۱۳۰۷ ق، ص ۲۷۸، شهرستانی، السمل و السنحل، ج اول، ص ۲۵۱-۲.
- سیدابوالقاسم رضوی اردکانی، شخصیت و قیام زیدی علی، تهران مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱، ص ۲۲۵-۲۸۷.
- عبدالرتفیع حقیقت، جنبش زیدیه در ایران، تهران، انتشارات آزاد اندیشه، چاپ اول، ۱۳۵۹، ص ۲ به بعد.
- ۱۵- حسین کریمان، سیره و قیام زید بن علی، باب سوم، قیام و شهادت زید، ص ۲۳۹. برای آگاهیهای بیشتر مراجعه شود به سیوطی، تاریخ الخلفاء، محمدين جریر طبری، تاریخ طبری، عسقلانی، الصواعق المحرقة، موسوی المقرم، زید الشهید، چاپ نجف.
- ۱۶- رک: تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، گردآورنده رن، فرای، ترجمه حسن انوش، تهران، ۱۳۶۳، امیرکبیر، پخش فرمانروایی علیوان بر طبرستان، ج ۴، ص ۱۷۹ به بعد، استانی لین پل، طبقات سلاطین اسلام، ترجمه عباس اقبال، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳، ص ۱۱۴.
- برتولد اشپلر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری، صفحات ۳۱۰-۱۲، غلامرضا انصافپور، روند نهضت‌های ملی و اسلامی در ایران (از اسلام تا یورش مغول)، تهران سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، بخش هفتم، صفحات ۲۱۳-۱۷.
- ۱۷- احمد کسری، شهریاران گمنام، ص ۱۸. مقایسه شود با کتاب دودمان علوی، تأییف رابینو، ترجمه سید محمد طاهری شهاب.
- ۱۸- ابن اسفندیار کاتب، تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال، تهران، ص ۲۳۵.
- ۱۹- عبدالرتفیع حقیقت، جنبش زیدیه در ایران، ص ۵۳.
- عباس زریاب، ملاحظاتی درباره سلسه پادشاهان طبرستان، مجله تحقیقات اسلامی، سال اول، شماره ۲ و سال دوم شماره ۱، تهران ۱۳۶۵-۶۶، ص ۷۹-۸۹.
- فرای، تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، ترجمه حسن انوش، بخش ششم به نام سلسله‌های کوچک شمال ایران: فرمانروای علیوان بر طبرستان، ص ۱۲۹.
- (لازم به یادآوری است که در صفحه ۱۸۰ کتاب، اصطلاح «شاهان علوی» را معلوم نیست مؤلف و نویسنده